

نقش واسطه ای تعارض والدین - نوجوان در رابطه سبکهای فرزندپروری ادراک شده

و ابعاد ابراز خشم

سحر شریعتی^۱

دکتر سوزان امامی پور^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه ای تعارض والدین - نوجوان در رابطه سبکهای فرزندپروری ادراک شده و ابعاد ابراز خشم است. به همین منظور ۳۶۰ تن از دانش آموزان دختر دوره دبیرستان شهر تهران با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند و به سه پرسشنامه سبکهای فرزندپروری ادراک شده (POPS)، تعارض نوجوان با والدین (CBQ) و خشم اسپیلبرگر (STAXI) پاسخ دادند. تحلیل داده ها از طریق مدل معادلات ساختاری (SEM) انجام شد. نتایج نشان داد که مدل ارزیابی شده از برازندگی خوبی برخوردار است. نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که سبکهای فرزندپروری ادراک شده به صورت غیر مستقیم و از طریق تأثیر آن بر متغیر واسطه ای تعارض والدین - نوجوان با ابعاد ابراز خشم در ارتباط است.

کلید واژگان: سبکهای فرزندپروری ادراک شده، تعارض والدین - نوجوان، ابعاد ابراز خشم

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۰

saharshariati@yahoo.com

۱. کارشناس ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، نویسنده مسئول

emamipursd@yahoo.com

۲. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

مقدمه

شیوه‌های والدین و روشهای انضباطی آنان بی تردید تحت تأثیر ویژگیهای شخصیتی و سیستم اعتقادی آنان است. والدین سالم و بالغ در مقایسه با والدین نابالغ و ناسالم معمولاً با حساسیت و مهربانی بیشتری به نیازها و اشارات کودکان توجه می‌کنند و این نوع فرزند پروری امنیت عاطفی، استقلال، توانش اجتماعی و موفقیت هوشی را تشویق می‌کند (بلسکی^۱، ۱۹۸۴). جهت‌گیری اجتماعی والدین نیز برکنش متقابل آنها با فرزندانشان تأثیر می‌گذارد. والدینی که بر ویژگیهای روانی، انگیزه‌ها و احساسات تأکید می‌کنند به عکس آنهایی که صرفاً بر ویژگیهای جسمانی، شغل، یا موقعیت در جامعه تأکید می‌کنند در روشهای انضباطی خود، فرم‌مدارند. آنها توجه کودکان را به احساسات و انگیزه‌های دیگران جلب می‌کنند و آنان را تشویق می‌کنند که در رفتار و احساساتشان تأمل کنند. این روش به رشد درک کودک، حس مسئولیت شخصی و خودمختاری وی کمک می‌کند (اپل‌گیت^۲ و همکاران، ۱۹۹۷). به طور خلاصه، شناختهای والدین و استنتاج آنان درباره رفتارهای کودکان و انگیزه‌ها و اعتقادات و جهت‌گیریهای اجتماعی آنان، عوامل تعیین‌کننده مهمی در روشهای فرزند پروری و انضباطی والدین به شمار می‌آیند. سبکهای فرزندپروری روشهایی هستند که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند و در شکل‌گیری و رشد آنان در دوران کودکی و خصایص شخصیتی و رفتاری آنها تأثیر فراوان و عمیقی دارد (دادستان^۳، ۱۳۸۳).

سبکهای فرزندپروری یکی از سازه‌های جهانی است (استاینبرگ^۳ و همکاران، ۱۹۹۴) که بیانگر رابطه عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عاملی مهم برای رشد و یادگیری کودکان به شمار می‌آید (بامریند^۴، ۱۹۹۱). پژوهشگران شیوه‌های فرزندپروری را بر اساس دو بعد «پذیرندگی - پاسخ دهنده‌گی» و «توقع داشتن - کنترل» طبقه‌بندی نموده‌اند. با توجه به این ابعاد بامریند سه نوع الگوی رفتاری والدین را ارائه کرده است: الف) الگوی رفتاری مقتدرانه، ب) الگوی رفتاری مستبدانه و ج) الگوی رفتاری آسان‌گیر. یکی دیگر از نظریاتی که به بررسی انواع شکل‌های فرزندپروری پرداخته است، نظریه «خودتعیین‌گری»^۵ رایان و دسی است. در نظریه خودتعیین‌گری رایان و دسی چنین فرض شده است که حفظ تمایل انگیزش درونی در گرو ارضای سه نیاز اولیه روانشناختی شامل شایستگی^۶، خودمختاری^۷ و احساس تعلق^۸ است. در نظریه خودتعیین‌گری

1. Bleski
2. Applegate
3. Steinberg
4. Baumrind
5. Self-determination theory
6. Competence
7. Autonomy
8. Relatedness

تأثیر گذاری والدین در قالب سبکهای فرزند پروری والدین مورد بررسی قرار گرفته است. در این نظریه از سه نوع سبک فرزند پروری یاد شده است: الف) درگیری^۱ ب) حمایت از خودمختاری^۲ ج) گرمی^۳. درگیری اشاره به میزان اختلاف نظرها و درگیریهای میان والدین و فرزندان دارد و گویای وجود تعارض میان آنهاست. حمایت از خودمختاری به درجه ای که والدین برای فعالیت کودک ارزش قائل می شوند، کودکان را به حل مسئله تشویق می کنند و به آنها حق انتخاب و تصمیم گیری می دهند (گرولینک و رایان، ۱۹۸۹) و گرمی والدین اشاره به پاسخگر بودن، حساسیت و توجه بالای آنان نسبت به فرزندانشان دارد. والدین با این سبک فرزند پروری مشوق، استوار و صمیمی هستند (لئونگ^۵ و همکاران، ۲۰۰۴). گفتنی است که با ورود فرزندان به سنین نوجوانی، رابطه والدین با نوجوان دستخوش تغییراتی می شود. دوران نوجوانی که سنین پر از تنش و به گفته هال^۶ دوران طوفان و فشار نام گرفته است با خود تعارضاتی به همراه دارد (احدی و محسنی، ۱۳۸۷). یکی از ابعاد قابل توجه این تعارضات، تعارض میان والدین و نوجوانان است. مطالعات متعدد نشان می دهد که فراوانی تعارضات در اوایل نوجوانی (حدود ۱۴-۱۳ سالگی) به اوج خود می رسد و در اواسط نوجوانی (۱۶-۱۴ سالگی) به تدریج کاهش می یابد، که این جزء فرآیند طبیعی رشد است که منجر به تبدیل تعاملات کودک - والد به نوجوان - والد می شود. به نظر می رسد که تعارض والد- نوجوان با متغیرهای دیگری که می تواند جنبه تعدیل کننده داشته باشد در ارتباط است. برای مثال تعارض خانوادگی در اوایل نوجوانی بیشتر اتفاق می افتد اما در اواسط نوجوانی با شدت بیشتری رخ می دهد (سمتانا^۷ و دیگران، ۲۰۰۳). اکثر پژوهشگران از میان عوامل اثر گذار بر شخصیت فرد، برای نقش خانواده در سلامت روانی و رفتاری کودکان و نوجوانان اهمیت بسیار قائل شده اند. بررسیهای متون مربوط به نقش خانواده در مشکلات رفتاری و روانی کودکان و نوجوانان نشان داده است که چهار زمینه خانوادگی (از هم گسیختگی خانوادگی^۸، تعارض خانوادگی^۹، غفلت خانوادگی^{۱۰} و انحراف خانوادگی^{۱۱}) از اهمیت بسیار

1. Involvement
2. Autonomy support
3. Warmth
4. Grolnick & Ryan
5. Leung
6. Hall
7. Smetana
8. Family breakup
9. Family conflict
10. Family neglect
11. Family deviance

برخوردار است (بارنت و دیگران^۱، ۱۹۹۷). کانون خانواده ای که بر اثر تعارض و جدال میان اعضای آن آشفته است، محیط روانی و روحی امنی را که در خانواده باید وجود داشته باشد از اعضای آن سلب می‌کند و سبب به وجود آمدن مشکلاتی برای اعضای آن می‌شود. در حالی که اگر با تعارض به وجود آمده میان اعضای خانواده به روشی مناسب برخورد شود، به بهبود رابطه کمک می‌شود. در غیر این صورت نه تنها تعارض برطرف نمی‌شود بلکه، به تداوم رابطه آسیب می‌رسد. (مرادی و ثنایی، ۱۳۸۵). همچنین وجود تعارض سبب می‌شود تا به طور طبیعی واکنشهایی چه از سوی والدین و چه از سوی نوجوان بروز کند. از میان این واکنشها می‌توان به خشم^۲ و پرخاشگری^۳ اشاره کرد. خشم به منزله درک پاسخی هیجانی به تهدید جسمی یا روانی است که احساس آسیب پذیری، ناتوانی و اضطراب را تحریک می‌کند (کالهن، بکهام بوسورث^۴، ۲۰۰۲). مطالعات در این زمینه نشان داده است که ارتباط نامطلوب با فرزندان با میزان افسردگی و رفتارهای پرخاشگرانه ایشان ارتباط دارد (ماشه و باربر^۵، ۲۰۰۱). نتایج تحقیقات بسیار نشان داده است که از لحاظ آماری میان سبکهای فرزندپروری و مشکلات رفتاری نوجوانان از جمله پرخاشگری ارتباط وجود دارد (ارگیس^۶، ۲۰۰۶). همچنین انگریست^۷ و همکاران (۱۹۹۶) بیان کردند که سبکهای فرزندپروری در کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان مؤثر است و نتایج تحقیقات (ویلدر و وات^۸، ۲۰۰۲) بیانگر این است که والدینی که وقت بیشتری را صرف سرپرستی سرپرستی فرزندانشان می‌کنند، دارای فرزندانی هستند که کمتر به سمت رفتارهای پرخطر و نامناسب متمایل می‌شوند. بر اساس آنچه گفته شد پژوهش حاضر بر آن است که با استفاده از روش تحلیل مسیر به بررسی نقش واسطه ای تعارض والدین - نوجوان در زمینه سبکهای فرزندپروری ادراک شده و ابعاد ابراز خشم در نوجوانان بپردازد. مطابق شکل ۱ فرض می‌شود که تعارض والدین - نوجوان واسطه گر سبکهای فرزندپروری ادراک شده (درگیری، حمایت، خودمختاری) و ابعاد ابراز خشم (حالت، صفت و بیان خشم) است.

1. Barnett et al
2. Anger
3. Aggression
4. Calhoun , Beckham & Bosworth
5. Masche & Barber
6. Argys
7. Angrist
8. Wilder & Watt

روش شناسی

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

طرح پژوهش حاضر، طرح همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری (SEM) است که یک روش همبستگی چند متغیری است. جامعه آماری این پژوهش همه دانش آموزان دختر دوره دبیرستان شهر تهران است که در سال ۹۳-۹۲ در مدارس مشغول به تحصیل بوده اند. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از بین مناطق آموزش و پرورش شهر تهران، ۵ منطقه به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از میان مدارس هر منطقه، یک مدرسه و از میان کلاسهای موجود در هر مدرسه یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه صفت، حالت و بیان خشم اسپیلبرگر^۱: این پرسشنامه را چارلز، دی. اسپیلبرگر^۲ در سال ۱۹۹۹ با علامت اختصاری STAXI-2 ساخته است و مشتمل بر ۵۷ ماده ساخته است. این پرسشنامه شامل شش مقیاس، پنج خرده مقیاس و یک شاخص بیان خشم است. مقیاسها عبارت اند از: حالت خشم، صفت خشم، برون ریزی خشم، کنترل برون ریزی خشم و کنترل درون ریزی خشم. خرده مقیاسها عبارت اند از: احساس خشم، احساس نیاز شدید به بیان کلامی خشم، احساس نیاز شدید به بیان فیزیکی خشم، خلق و خوی خشمگین و واکنش خشمناک. آزمودنیها به هنگام پاسخ دادن به پرسشنامه، وضع خود را روی یک مقیاس ۴ درجه ای، از تقریباً هرگز (۱) تا تقریباً همیشه (۴)، رتبه بندی می کنند و به این وسیله شدت احساسات خشم خود را در یک زمان معین و نیز فراوانی تجربه، بیان، سرکوب یا کنترل خشم خودشان را اندازه گیری می کنند. جمع نمرات میان صفر تا ۹۶ است. اجرای پرسشنامه آسان و نمره گذاری آن عینی است؛ برای سنین ۱۵ سال به بالا قابل اجراست. این پرسشنامه از پایایی و روایی کافی برخوردار است و اعتبار آن در پژوهشهای متعدد مورد تایید قرار گرفته است. در این پژوهش ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس حالت خشم ۰/۹۴۶، صفت خشم ۰/۸۷۵، برون ریزی خشم ۰/۷۴۴، درون ریزی خشم ۰/۶۱۳، کنترل برون ریزی ۰/۸۴۲ و کنترل درون ریزی ۰/۸۵۲ محاسبه شده است.

1. State-Trait Anger Expression Inventory (STAXI)
2. Spielberger

۲. پرسشنامه ادراک شیوه والدین^۱: مقیاس ادراک شیوه والدین را رابینز^۲ در سال ۱۹۹۴ و بر اساس نظریه خود تعیین گری تدوین کرده است. این پرسشنامه با ۴۲ عبارت، ۲۱ عبارت برای مادر و ۲۱ عبارت برای پدر، (عبارتها در دو نیمه برای مادر و پدر تکرار شده اند) برای آزمودنیهایی که در سالهای پایانی نوجوانی یا کمی بزرگتر هستند، طراحی شده است. این ابزار، شش زیر مقیاس درگیری مادر، حمایت مادر از خود مختاری، گرمی مادر، درگیری پدر، حمایت پدر از خود مختاری و گرمی پدر را می‌سنجد. در پژوهش حاضر به منظور محاسبه اعتبار پرسشنامه سبک فرزند پروری ادراک شده، ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی هماهنگی درونی سؤالات هر خرده مقیاس پرسشنامه‌های والدین برای آزمودنیها محاسبه شد. این ضرایب برای خرده مقیاس درگیری-مادر ۰/۶۴۳، حمایت از خودمختاری-مادر ۰/۷۵۸، گرمی-مادر ۰/۸۴۷، درگیری-پدر ۰/۷۱۰، حمایت از خودمختاری-پدر ۰/۸۱۲ و گرمی-پدر ۰/۸۰۴ برآورد گردید.

۳. پرسشنامه تعارض نوجوان با والدین^۳: پرسشنامه رفتار متعارض نوجوان با والدین را پرینز^۴ و همکارانش در سال ۱۹۷۹ ساخته اند. نسخه اصلی این ابزار که دارای ۷۵ عبارت بود، ادراک نوجوان از میزان تعارض و رابطه منفی با والدینش را مورد ارزیابی قرار داده است. نسخه مورد استفاده در این تحقیق نسخه کوتاه این پرسشنامه است که شامل ۲۰ عبارت است و میزان تعارض نوجوان با والدینش را می‌سنجد. این پرسشنامه در دو فرم جداگانه، یکی ویژه مادر و دیگری ویژه پدر است. پرسشنامه رفتار متعارض ویژه نوجوانان است و آزمودنی باید با انتخاب یکی از پاسخهای صحیح یا غلط، موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از عبارات مشخص سازد. نمره بالاتر در این پرسشنامه، نشانگر تعارض بیشتر نوجوان با پدر و مادرش است. پایایی حاصل از روش باز آزمایی برای نسخه گزارش نوجوان ۰/۵۷ است. نتیجه پژوهش رابینز^۵ و فاستر^۶ (۱۹۸۹) نشان داد که پرسشنامه رفتار متعارض می‌تواند خانواده‌های دارای مشکلات بالینی را از خانواده‌های سالم جدا سازد که خود گویای اعتبار افتراقی این ابزار است. در پژوهش حاضر به منظور محاسبه اعتبار درونی سؤالات پرسشنامه تعارض با والدین، ضریب آلفای کرونباخ برای کل سؤالات مربوط به هر والد به‌طور جداگانه برای آزمودنیها محاسبه شد. به این ترتیب ضریب آلفای کرونباخ برای تعارض با مادر ۰/۹۱۸ و تعارض با پدر ۰/۸۹۹ برآورد گردید.

1. Perception of Parents Scale (POPS)
2. Robbins
3. Conflict Behavior Questionnaire (CBQ)
4. Prinz
5. Robin
6. Foster

یافته‌ها

جدول شماره ۱ شاخصهای آماری شرکت کنندگان در پژوهش را در میان متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. ملاک معمول برای ارزیابی نرمال بودن داده‌ها، بررسی کجی و کشیدگی است. برخی معتقدند که کجی و کشیدگی باید میان +۱ و -۱ باشد تا نرمال بودن توزیع پذیرفته شود و برخی دیگر رویکرد محافظه کارانه تری را در نظر دارند که بیان می‌کند کجی و کشیدگی باید میان +۲ و -۲ باشد تا داده‌ها به صورت نرمال توزیع شوند (گامست و همکاران، ترجمه شریفی و همکاران، ۱۳۹۰). همان طور که جدول ۱ نشان می‌دهد کجی و کشیدگی تمام متغیرهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر در محدوده مورد نظر قرار دارند. بنابراین نرمال بودن توزیع داده‌ها در جدول کاملاً مشخص است. ضرایب همبستگی میان متغیرهای پژوهش حاضر در جدول ۲ گزارش شده است. بر اساس نتایج جدول ۲، کلیه ضرایب همبستگی به دست آمده میان متغیرهای پژوهش در سطح $p < 0/01$ و $p < 0/05$ معنادار است. جدول شماره ۲ همچنین ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱. شاخصهای آماری شرکت کنندگان در پژوهش در میان متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	کجی	کشیدگی
تعارض مادر	۴/۴۳	۴/۹۷	۰/۰۰	۲/۰۰	۱/ ۲۴۳	۰/۶۴۵
تعارض پدر	۴/۱۹	۴/ ۵۵	۰/۰۰	۱۹/۰۰	۱/ ۱۷۵	۰/۴۴۶
تعارض والدین	۸/۶۱	۸/ ۲۳	۰/۰۰	۳۵/۰۰	۱/۰۸۱	۰/۴۰۰
درگیری مادر	۳/۰۴	۱/ ۲۲	۱/۰۰	۷/۰۰	۰/ ۵۴۰	-۰/۰۴۵
حمایت مادر	۴/۶۸	۱/ ۲۶	۰/۰۰	۷/۰۰	- ۰/ ۳۵۷	- ۰/۱۷۵
گرمی مادر	۵/۲۱	۱/ ۲۵	۱/۰۰	۷/۰۰	- ۰/ ۸۶۰	۰/۴۴۶
درگیری پدر	۳/۳۶	۱/ ۳۹	۱/۰۰	۷/۰۰	۰/ ۳۲۶	۰- /۳۶۵
حمایت پدر	۴/۲۹	۱/ ۳۷	۱/۰۰	۷/۰۰	- ۰/ ۱۶۴	- ۰/۵۳۰
گرمی پدر	۵/۱۹	۱/ ۱۹	۱/۵۰	۷/۰۰	- ۰/ ۵۶۸	- ۰/۱۸۳
درگیری والدین	۶/۴۱	۲/ ۱۸	۲	۱۴/۰۰	۰/ ۲۸۳	- ۰/۰۱۰
حمایت والدین	۸/۹۷	۲/ ۲۴	۲	۱۴/۰۰	- ۰/ ۱۳۹	- ۰/۱۵۸
گرمی والدین	۱۰/۴۰	۲/ ۱۳	۳	۱۴/۰۰	- ۰/ ۶۲۴	۰/۰۰۳
حالت خشم	۲۷/۱۴	۱۱/ ۵۵	۱۵/۰۰	۶۰/۰۰	۱/ ۲۱۹	۰/۶۴۹
صفت خشم	۲۳/۳۲	۷/ ۰۶	۱۰/۰۰	۴۰/۰۰	۰/ ۴۴۶	- ۰/۳۸۹
بیان خشم	۳۵/۴۳	۷/ ۳۸	۱۶/۰۰	۶۰/۰۰	۰/ ۴۳۷	۰/۲۸۰
کنترل خشم	۴۳/۶۱	۹/ ۵۱	۱۶/۰۰	۶۴/۰۰	- ۰/ ۱۲۳	- ۰/۲۳۷

جدول شماره ۲. ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. تعارض مادر												
۲. تعارض پدر												
۳. تعارض والدین												
۴. درگیری مادر	۰/۲۹۶	۰/۱۱۴	۰/۲۴۲									
۵. حمایت مادر	-۰/۵۸۵	-۰/۳۰۴	۰/۵۲۲									
۶. گرمی مادر	-۰/۷۲۲	-۰/۳۶۳	-۰/۶۳۷									
۷. درگیری پدر	۰/۱۷۶	۰/۳۳۱	۰/۲۸۹									
۸. حمایت پدر	-۰/۲۲۳	-۰/۴۴۷	-۰/۳۸۲									
۹. گرمی پدر	-۰/۳۶۵	-۰/۶۱۳	-۰/۵۶۰									
۱۰. درگیری والدین	۰/۲۷۹	۰/۲۷۵	۰/۳۴۱									
۱۱. حمایت والدین	-۰/۲۶۴	-۰/۴۴۴	-۰/۵۲۷									
۱۲. گرمی والدین	-۰/۶۲۹	۰/۵۵۷	-۰/۶۸۹									
۱۳. حالت خشم	۰/۴۰۴	۰/۳۳۰	۰/۴۲۷	۰/۰۶۷	-۰/۳۳۱	-۰/۳۰۸	۰/۰۷۲	-۰/۱۷۳	-۰/۱۷۹	-۰/۰۸۴	-۰/۳۴۲	-۰/۲۸۱
۱۴. صفت خشم	۰/۳۹۱	۰/۲۸۵	۰/۳۹۴	۰/۰۵۲	-۰/۱۳۰	-۰/۴۴۷	۰/۰۲۳	-۰/۰۷۳	-۰/۰۸۸	۰/۰۱۴	-۰/۱۱۹	-۰/۰۹۷
۱۵. بیان خشم	۰/۲۷۶	۰/۲۲۲	۰/۲۸۹	۰/۰۵۶	-۰/۱۰۹	-۰/۱۷۹	۰/۰۲۸	-۰/۰۸۳	-۰/۰۸۷	۰/۰۱۳	-۰/۰۹۷	-۰/۱۵۴
۱۶. کنترل خشم	۰/۲۲۵	۰/۱۰۵	-۰/۱۹۴	-۰/۲۷۴	۰/۲۳۳	-۰/۳۳۸	-۰/۱۳۶	۰/۰۸۰	۰/۰۰۹	-۰/۲۰۴	-۰/۱۷۳	-۰/۲۰۱

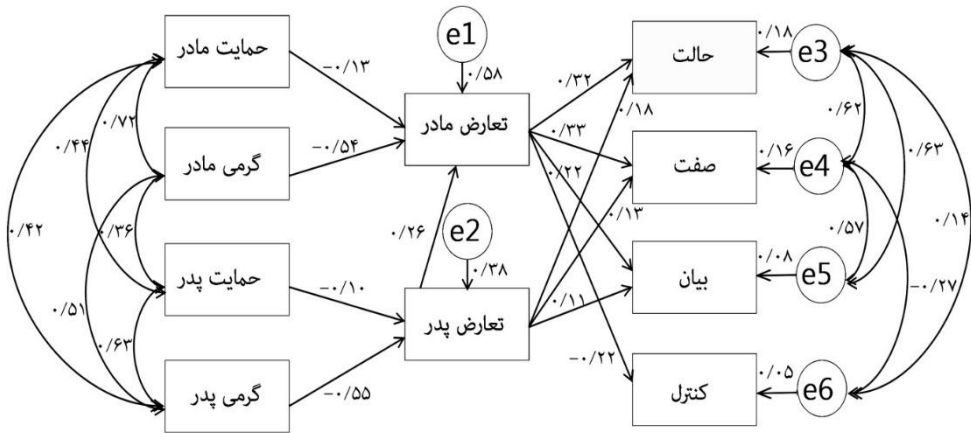
در پژوهش حاضر به منظور بررسی سؤال پژوهش و آزمون روابط ساختاری بین متغیرها، از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. روابط سازه‌ها نیز با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهشی، از طریق ارائه مدلی مورد بررسی قرار گرفته است. به همین منظور قبل از برازش مدل نهایی،

مفروضات SEM مانند بررسی داده‌های گم شده یا داده‌های دورافتاده و پرت و همخطی بودن میان متغیرها و نرمال بودن آنها مورد بررسی قرار گرفته و مدل فرضی پژوهش با استفاده از نرم افزار AMOS مورد برازش قرار گرفته است. همچنین برای بررسی برازش کلی مدل از شاخصهای برازش مطلق، نسبی و مقتصد استفاده شده است.

جدول شماره ۳. مقایسه شاخصهای برازندگی مدل پیشنهادی اولیه و مدل نهایی

شاخصهای برازندگی		X ²	df	X ² /df	GFI	AGFI	CFI	NFI	IFI	
RMSEA	RFI									
مدل اولیه	۰/۲۸۱	۱۴۹۸/۶۶	۵۱	۲۹/۳۸	۰/۵۵	۰/۳۱۲	۰/۳۱۵	۰/۳۱۳	۰/۳۲۰	-۰/۱۱۱
مدل نهایی	۰/۰۷۶	۶۸/۰۱	۲۲	۳/۰۹	۰/۹۶۴	۰/۹۱۰	۰/۹۷۳	۰/۹۶۲	۰/۹۷۴	۰/۹۲۲

جدول ۳ مقایسه شاخصهای برازندگی مدل پیشنهادی و مدل اصلاح شده را نشان می‌دهد. با بررسی مدل پیشنهادی اولیه، مسیرهای غیر معنادار درگیری مادر و پدر با تعارض و نیز تعارض پدر با کنترل خشم از مدل حذف شده و برخی از ضرایب بین متغیرهای خطا اضافه شده است. نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که شاخصهای برازندگی شامل شاخص مجذور خی دو ($X^2 = ۶۸/۰۱$) است. مجذور خی نسبی ($X^2/df = ۳/۰۹$)، شاخص نیکویی برازش ($۰/۹۶۴ = GFI$)، شاخص نیکویی برازش انطباقی ($۰/۹۱۰ = AGFI$)، شاخص برازش مقایسه ای ($۰/۹۷۳ = CFI$)، شاخص برازش استاندارد اصلاح شده ($NFI = ۰/۹۶۲$)، شاخص برازندگی افزایش ($۰/۹۷۴ = IFI$) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب ($۰/۰۷۶ = RMSEA$)، حاکی از برازش مطلوب مدل اصلاح شده است. بنابراین مدل نهایی از برازندگی مطلوب برخوردار است. شکل ۱ مدل نهایی پژوهش حاضر را به همراه ضرایب استاندارد نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱. مدل نهایی پژوهش حاضر به همراه ضرایب استاندارد

همان طور که شکل ۱ نشان می دهد، مسیرهای درگیری پدر و مادر با تعارض و نیز تعارض پدر با کنترل خشم غیر معنادار است. همچنین نتایج نشان می دهد مسیر حمایت مادر- نوجوان به تعارض مادر ($\beta = -0.127$)، مسیر تعارض مادر- نوجوان به گرمی مادر ($\beta = -0.541$)، مسیر تعارض پدر- نوجوان به حمایت پدر ($\beta = -0.103$)، مسیر تعارض پدر- نوجوان به گرمی پدر ($\beta = -0.548$)، مسیر تعارض مادر- نوجوان به حالت خشم ($\beta = 0.318$)، مسیر تعارض مادر- نوجوان به بیان خشم ($\beta = 0.219$)، مسیر تعارض مادر- نوجوان به کنترل خشم ($\beta = -0.22$)، مسیر تعارض پدر- نوجوان به حالت خشم ($\beta = 0.176$)، مسیر تعارض پدر- نوجوان به صفت خشم ($\beta = 0.125$) و مسیر تعارض پدر- نوجوان به بیان خشم ($\beta = 0.114$) محاسبه شده است. این در حالی است که مسیر تعارض پدر- نوجوان به کنترل خشم معنادار نبوده است.

بحث

همان طور که اشاره شد، هدف پژوهش حاضر آن است که با ارائه مدلی به این سؤال پاسخ دهد که آیا مدل فرضی در ارتباط با نقش واسطه ای تعارض والد - نوجوان در رابطه سبک فرزندپروری ادراک شده و ابعاد مختلف ابراز خشم از برآزش مناسب برخوردار است یا خیر.

همه مسیرها در مدل حاضر مورد بررسی قرار گرفتند و همه مسیرها به جز مسیرهای درگیری پدر و مادر با تعارض و نیز تعارض پدر با کنترل خشم از مدل حذف شدند و برخی ضرایب بین متغیرهای خطا اضافه شده است. به عبارت دیگر نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری نشان داد که حمایت و گرمی مادر و پدر، به صورت غیر مستقیم و با واسطه گری تعارض مادر و پدر با نوجوان با شیوه‌های ابراز خشم در آنها رابطه دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که میان تعارض نوجوان - والدین با درگیری والدین رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، به طوری که با افزایش درگیری والدین، تعارض نوجوان با والدین افزایش می‌یابد و به عکس. همچنین میان تعارض نوجوان - والدین با حمایت و گرمی والدین رابطه منفی معنادار وجود دارد. به این ترتیب که با افزایش حمایت و گرمی والدین، تعارض نوجوان با والدین کاهش می‌یابد و به عکس. بر اساس پژوهشی که در زمینه رابطه سبکهای فرزند پروری و کنترل هیجان انجام شد، رودی و گروسک^۱ (۲۰۰۶) پی بردند که شناخت و احساس منفی مادر نسبت به کودک با عزت نفس پایین در کودک رابطه دارد. همچنین دیکسون، گریبر و بروکس‌گان^۲ (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی که درباره احترام به اقتدار والدینی و شیوه‌های فرزند پروری انجام دادند، پی بردند که سطوح بالاتر انضباط مادرانه و برقراری ارتباط بهتر با دختران با تعارض کمتر میان مادر و دختر ارتباط دارد. نظامی (۱۳۸۸) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که آموزش شیوه‌های فرزند پروری بر راهبردهای حل تعارض با فرزندان تأثیری معنادار دارد، به طوری که آموزش شیوه‌های فرزندپروری سبب بهره‌گیری بیشتر والدین از راهبرد حل تعارض استدلال و بهره‌گیری کمتر از راهبردهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی می‌شود. همچنین پژوهش انجام شده نشان داد که میان تعارضات والدین - نوجوان با ابعاد حالت، صفت و بیان خشم رابطه مثبت معنادار وجود دارد، به طوری که با افزایش تعارض با والدین، ابعاد حالت، صفت و بیان خشم افزایش می‌یابد و به عکس. اما میان تعارض والدین - نوجوان با بعد کنترل خشم رابطه منفی معنادار وجود دارد، به طوری که با افزایش تعارض نوجوان با والدین، کنترل خشم کاهش می‌یابد و به عکس. در این زمینه سیفرت و شوارز^۳ (۲۰۱۱) نیز نشان دادند که رفتارهای ناسازگارانه فرزندان در رابطه سبکهای منفی حل تعارض و درون- سپاری و برون- سپاری مسائل به مثابه متغیر میانجی عمل می‌کند. نتایج کار آنان دلایلی را ارائه داده است که

1. Rudy & Grusec
2. Dixon, Graber & Brooks-Gunn
3. Siffert & Schwarz

سبکهای حل تعارض با والدین، ناسازگاری اجتماعی فرزندان را پیش بینی می‌کند. در پژوهشی که فورهند^۱ و دیگران (۱۹۹۸) تحت عنوان تعارض والد-نوجوان و ناسازگاری دوره نوجوانی انجام دادند، نشان دادند که تعارض و درگیری بین والد-نوجوان با ناسازگاری دوره نوجوانی مانند افسردگی، رفتارهای غیر قابل قبول، مشکلات رفتاری در مدرسه و کاهش عملکرد تحصیلی رابطه دارد. تعارض والد- نوجوان همراه با روابط خصومت‌آمیز در خانواده منجر به احساس ناکامی شده و این احساس نگرشهای ضد اجتماعی را بر می‌انگیزد که در نهایت باعث رفتارهای انحرافی در نوجوان می‌گردد.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که میان نمرات حالت خشم با خرده مقیاسهای حمایت و گرمی مادر و پدر و نیز والدین همبستگی منفی و معنادار، میان نمرات صفت خشم با خرده مقیاسهای حمایت و گرمی مادر و نیز والدین همبستگی منفی و معنادار، میان نمرات بیان خشم فقط با خرده مقیاس حمایت و گرمی مادر و گرمی والدین همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. به این معنا که با افزایش حمایت و گرمی مادر و پدر حالت خشم، صفت خشم و بیان خشم کاهش می‌یابد و به عکس. این در حالی است که خرده مقیاسهای گرمی و حمایت مادر و پدر با کنترل خشم رابطه مستقیم و معنادار دارد، به این معنا که هرچه میزان حمایت و گرمی پدر و مادر بیشتر باشد، نوجوان توانایی بیشتری در کنترل حالات هیجانی خشم خود دارد. اغلب تحقیقات بر اهمیت جنبه‌های منفی روابط والد- کودک در بروز مشکلات رفتاری تاکید دارند و به طور چشمگیر نشان دهنده ارتباط میان شیوه‌های خشونت‌آمیز والدین، تنبیه بدنی و ارتباط تعارض‌آمیز والد - کودک با مشکلات رفتاری در کودکان بزرگ‌تر است (ارون، والدر، لفقویتز^۲، ۱۹۷۱). مارش و بریان^۳ (۲۰۰۱)، در پژوهشی نشان دادند که جدایی از والدین و ارتباط نامطلوب با فرزندان به طور ناپیوسته و منفی با میزان افسردگی و رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان ارتباط دارد. استراسبرگ^۴ و همکاران (۱۹۹۴) نشان دادند که کودکان پیش دبستانی که به طور مکرر از طرف والدین تنبیه می‌شوند، بعدها به احتمال زیاد در برابر همتایان خود پرخاشگری نشان می‌دهند.

-
1. Forehand
 2. Eron, Walder, Lefkowitz
 3. Marsh & Brian
 4. Strassberg

مهم‌ترین محدودیت این پژوهش جامعه آماری آن است که صرفاً شامل دختران دوره دوم متوسطه هستند. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای بالا بردن گستره تعمیم پذیری داده‌ها، این پژوهش در نمونه وسیع‌تر و در میان پسران نیز اجرا شود. همچنین با توجه به نقش کلیدی والدین در امر تربیت فرزندان، پیشنهاد می‌شود به منظور معرفی انواع سبک‌های فرزندپروری دوره‌های آموزشی برگزار شود تا به این ترتیب والدین بتوانند آگاهی‌های لازم را در این زمینه کسب کنند. خشم و پرخاشگری با آنکه یکی از هیجانات اصلی انسان به حساب می‌آید، اما اگر در جای درست و به شیوه مناسب خود ابراز نشود، می‌تواند به یکی از معضلات اساسی تبدیل شود که نه تنها فرد، بلکه جامعه را نیز درگیری می‌کند. بنابراین آموزش شیوه‌های درست ابراز خشم و کنترل خشم، در صورتی که در سنین کودکی و نوجوانی به افراد ارائه شود، می‌تواند در پیشگیری از بسیاری از معضلات اجتماعی آینده بکاهد. از این رو به مدیران مدارس و معلمان که در ارتباط مستقیم با دانش آموزان هستند، پیشنهاد می‌شود که در کنار آموزش‌های درسی خود، دانش آموزان را نسبت به ضرورت مهار و کنترل خشم در موقعیتهای پرتنش آگاه سازند.

منابع

- احدی، حسن؛ محسنی، نیکچه‌ر. (۱۳۸۷). مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی. تهران: انتشارات جیحون.
- دادستان، پریخ. (۱۳۸۳). روان‌شناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی (جلد دوم). تهران: انتشارات سمت.
- شریفی، حسن پاشا و همکاران، (مترجم) (۱۳۹۰). پژوهش چند متغیری کاربردی، نوشته لاورنس اس. میزر، گلن گامست و ا.جی. گارینو. تهران: انتشارات رشد.
- مرادی، امید؛ ثنایی، باقر. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مساله بر تعارضات والد-فرزند در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر تهران. نشریه پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)، ۵ (۲۰)، ۲۳-۳۸.
- نظامی، ماندانا سادات. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزند‌پروری بر راهبردهای حل تعارض فرزندان و والدین. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- Angrist, J. D., Imbens, G. W., & Rubin, D.B. (1996). Identification of causal effects using instrumental variables. *Journal of the American Statistical Association*, 91, 444-455.
- Applegate, B., Lahey, B. B., Hart, E. L., Biederman, J., Hynd, G. W., Barkley, R. A., et al. (1997). Validity of the age-of-onset criterion for ADHD: A report from the DSM-IV field trials. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 36(9), 1211-1221.
- Argys, L. M., & Ress, D. I., Averett, S.L., & Witoonchart, B. (2006). Birth order and risky adolescent behavior. *Economic Inquiry*, 44(2), 215-233.
- Barnett, O.W., Miller-Perrin, C.L., & Perrin, R.D. (1997). Family violence across the lifespan: An introduction. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance Use. *Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.
- Belsky, J. (1984). The determinants of parenting: A process model. *Child Development*, 55(1), 83-96.
- Calhoun, P. S., Beckham, J. C., & Bosworth, H. B. (2002). Caregiver burden and psychological distress in partners of veterans with chronic posttraumatic stress disorder. *Journal of Traumatic Stress*, 15(3), 205-212.
- Dixon, S.V., Graber, J.A. & Brooks-Gunn, J. (2008). The roles of respect for parental authority and parenting practices in parent-child conflict among African American, Latino, and European American families. *Journal of Family Psychology*, 22(1), 1-10.
- Eron, L.D., Walder, L.O., & Lefkowitz, M.M. (1971). Learning of aggression in children. Boston, MA: Little Brown.
- Forehand, R., Brody, G., Slotkin, J., Fauber, R., McCombs, A., & Long, N. (1988). Young adolescents and maternal depression: Assessment, interrelations, and family predictors. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 56(3), 422-426.
- Grolnick, W. S., & Ryan, R. M. (1989). Parent styles associated with children's self-regulation and competence in school. *Journal of Educational Psychology*, 81, 143-154.
- Leung, C. Y., McBride-Chang, C. & Lai, B. P. (2004). Relation among maternal parenting styles, academic competence, and life satisfaction in Chinese early adolescents. *Journal of Early adolescence*, 24, 113-143.

- Masche, J. & Barber, B.K. (2001). *Connectedness and parent-adolescent relationships: Indicators of a successful identity development*. Paper presented at the Biennial Meeting of the Society for Research in Child Development. Minneapolis, MN, April 19-22.
- Robin, A. L., & Foster, S. L. (1989). *Negotiating parent-adolescent conflict: A behavioral-family systems approach*. New York: Guilford Press.
- Rudy, D. & Grusec, J.E. (2006). Authoritarian parenting in individualist and collectivist groups: Associations with maternal emotion and cognition and children's self-esteem. *Journal of Family Psychology*, 20(1), 68-78.
- Siffert, A., & Schwarz B. (2011). Parental conflict resolution styles and children's adjustment: Children's appraisals and emotion regulation as mediators. *The Journal of Genetic Psychology: Research and Theory on Human Development*, 172(1), 21-39.
- Smetana, J. G., Daddis, C. & Chuang, S. S. (2003). "Clean your room!" A longitudinal investigation of adolescent-parent conflict and conflict resolution in middle-class African American families. *Journal of Adolescent Research*, 18, 631-650.
- Steinberg, L., Lamborn, S. D., Darling, N., Mounts, M. S., & Dornbusch, S. M. (1994). Overtime change in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *Child Development*, 65, 754-770.
- Strassberg, Z., Dodge, K., Pettit, G.S., & Bates, J.E. (1994). Spanking in the home and children's subsequent aggression toward kindergarten peers. *Development and Psychopathology*, 6, 445-461.
- Wilder, E.I., & Watt, T.T. (2002). Risky parental behavior and adolescent sexual activity at first coitus. *Milbank Quarterly*, 80(3), 481-524.